

گمانه زنی در میدان صاحب آباد و مجموعه حسن پادشاه

دکتر بهروز عمرانی* - محمد امینیان**

چکیده

در سفرنامه‌های سیاحانی که در دوره حکومت آق قویونلوها و صفویان از تبریز دیدن کرده‌اند، توصیفات عجیب از مجموعه عظیم شهری در شمال رودخانه مهران رود به میان آمده است که عظمت و زیباییهای بیان شده به ظاهر بیشتر به افسانه‌پردازی و افسانه‌گویی شباهت دارد تا بیان واقعیت. تاکنون حوزه شناخت پژوهشگران از این مجموعه که میدان صاحب آباد (میدان تبریز) خوانده می‌شد و در محدوده آن کاخها و بناهای دوره حکومت آق قویونلوها و صفویان قرار داشت، مختص به اطلاعات کتابخانه‌ای برگرفته از توضیحات سیاحان گذشته و کلیت فضایی میدان صاحب‌الامر بود که در دوره قاجار بر روی بخشی از بقایای این میدان ساخته شده است.

این مقاله نتیجه روندی است که از پیش فرضها و اعتماد بر نکات مشترک واقع در توضیحات سیاحان و بررسی میدانی و کتابخانه‌ای شیوه معماری منطقه و شیوه‌های معماری فرادست (از لحاظ زمانی و مکانی) در دامنه‌ای از حدود تأثیرگذاری - تأثیرپذیری مداوم است که از معماری فلات داخلی ایران تا معماری ترکستان و آناتولی را در بر می‌گیرد. نگارندگان به عنوان نمایندگان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی با لحاظ کردن نتایج تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی‌شان به عنوان مبنای پی‌گردیها و لایه‌برداریها و مرمت سبکی بقایای به دست آمده به نکاتی دست یافتند که از نمونه آنها می‌توان به بازیابی بقایای ناشناخته‌ترین دوران معماری ایران بعد از اسلام ایران و حلقه مفقوده و پایه‌گذار نحوه شهرسازی و معماری وابسته به حکومت در دوره صفویان اشاره کرد.

* - استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

** - کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافتهای تاریخی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی.

واژه‌های کلیدی

تبریز، دوره آق قویونلو، میدان صاحب‌آباد، مجموعه حسن پادشاه (عمارت نصریه)، مسجد جامع حسن پادشاه.

مقدمه

یکی از ماندگارترین کارهای زنده یاد استاد دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی تهیه پلان مصوب بازسازی میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه است. کالبد وضع موجود این مجموعه بیشتر مربوط به ساخت و سازهای دوره قاجار است که بر روی ویرانه‌های بناهای مجموعه حکومتی دوره‌های قبل مخصوصاً زمان حکومت ترکمانان و اوایل دوره صفوی ساخته شده است. یکی از بناهای این مجموعه مسجد حسن پادشاه است که کالبد موجود آن نیز مربوط به دوره قاجار است و شامل دو بخش مسجد و مدرسه است. بخش مسجد تقریباً به طور کلی تخریب شده و بجز دیواره بیرونی جنوبی و شرقی آن چیزی باقی نمانده است. نگارندگان این مقاله به عنوان مسئول مرمت و بازسازی مجموعه میدان صاحب‌آباد (صاحب‌الامر)، این عنصر از مجموعه را به عنوان نقطه آغازین کار به چند دلیل انتخاب نمودند:

الف - مشخص بودن محل اسمی و حدود عرفی آن با توجه به اینکه مسجد بوده و ابعاد کلی آن در ساخت و سازهای دوره قاجار بر روی بنای اصلی تقریباً حفظ شده است.

ب - ساخت و سازهایی که در دوره قاجار روی بقایای دوره آق قویونلو ساخته شده بود، در سالهای گذشته تخریب شده بود و ظرفیت بازسازی سبکی مسجد دوره اصلی بدون حذف بنایی از دوره‌های متأخر وجود داشت.

ج - صرفنظر از مجموعه کاخهای شاهی دوران آق قویونلوها و اوایل دوره صفوی که نما و کاخ سر در شرقی این کاخها از میدان دیده می‌شد؛ مسجد حسن پادشاه. شاخصترین عنصر میدان صاحب‌آباد بوده است.

د - این مسجد در نوشته‌ها و گزارشهای توصیفی - تاریخی سیاحانی که مجموعه میدان صاحب‌آباد (میدان تبریز) را دیده‌اند، به گونه‌ای نقطه پایه در نسبت و نحوه قرارگیری بناهای میدان نسبت به هم بوده است و مشخص کردن حدود پلانی به وسیله بازبینی و آناستیلوز بقایای موجود بر اساس اصول مرمت سبکی، می‌توانستیم با منطبق کردن توصیفات سیاحان (بررسی کتابخانه‌ای) و وضعیت بازبینی شده (مطالعات میدانی و مستند) محل دیگر بناهای را بازشناسی کنیم.

بخش زیادی از اطلاعات میدانی نگارندگان این مقاله حاصل جمع آوری بقایای ساختمانی دوره آق قویونلوی مسجد حسن پادشاه است که در بازسازی‌های دوره قاجار خوشبختانه از مسجد خارج نشده است و بیشتر در پی و دیواره‌های بنای متأخر تخریب شده به کار رفته بود. ضمناً بقایای دوره اول بنای منسوب به صاحب‌الامر نیز در این زمینه کمک شایانی به ما نمود.

پس از جمع آوری بقایای باز یافته و مستند نگاری آنها به دفتر حفاظت بناها و محوطه‌های تاریخی کشور ارسال گشت و از طرف سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور تأکید شد که این مجموعه نه فقط به عنوان بخشی از وضع موجود بافت قاجاری بازار، بلکه علاوه بر آن به عنوان مجموعه‌ای مهم و گویای دوره‌ای با ارزش از معماری ایران ثبت و احیا گردد.

این مقاله در واقع گزارشی مختصر از بخش باستان‌شناختی - معماری پروژه مرمت و احیای میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه تبریز است که توسط نگارندگان این مقاله در حال انجام است. میدان به مفهوم فضای باز وسیعی که معمولا کارکردهای مهم شهری مانند عناصر مذهبی، حکومتی و بازار در جوار آن قرار داشتند، در اکثر استقرارهای تکوین یافته انسانی در سرزمینی که حوزه نفوذ فرهنگی آن را با نام ایران می‌شناسیم، وجود داشته است. از جمله میدانهای تاریخی می‌توانیم به میدان قدیم اصفهان و میدان قدیم تبریز اشاره کنیم.

آب و هوای مناسب و میزان بارش لازم و دسترسی به آبهای همیشگی و اوضاع مناسب سیاسی - اقتصادی، از تبریز دوره ایلخانی تا اوایل دوره صفوی، یک «باغ شهر» آرمانی به وجود آورده بود. اکثر بناها به صورت کوشکی و به صورت توده مرکزی در میان حیاط سرسبز قرار گرفته بود؛ اما در فلات داخلی با توجه به کمبود میزان بارش و فرار بودن رطوبت هوا و تابش تیز آفتاب، در ساخت بناها معمولا این حیاط (میانسرا) بود که به وسیله ساخت و سازها احاطه می‌شد تا رطوبت حاصل از تبخیر آب حوضهای حیاط جهت تنظیم شرایط محیطی انسانی و فضای سبز باغچه حیاط حفظ شود و ضمناً با این نحوه استقرار ساخت و سازها در چهار طرف حیاط در فصول و زمانهای مورد نظر از فضاهایی استفاده شود که تنها از تابش مناسب آفتاب بهره می‌برند. به همان میزان تفاوت در نوع پلان معماری منطقه آذربایجان و فلات داخلی در این دوره، در کالبد کلی «میدان» نیز می‌توان این تفاوت را مشاهده کرد.

میدان در منطقه آذربایجان - و مناطق کوهستانی همجوار مانند کردستان - معمولا به فضای باز وسیعی اطلاق می‌گشت که بناها در دور یا مرکز آن استقرار می‌یافتند و این به این معنی نبود که بناهای دور میدان حتماً باید به هم چسبیده باشند و چهار ضلع کامل مربع یا مستطیل را تشکیل دهند و همانند معماری منطقه تا قبل از اواسط دوره صفویه - که از این زمان به بعد اکثر ساخت و سازها به دور میانسرا ساخته شدند - بیشتر از هم جدا بودند و یا دیوار حیاط آنها و یا فقط بخشهایی از آنها به هم متصل بود.

از نمونه قدیمتر این گونه میدانها می‌توان به میدان قدیم تبریز اشاره کرد که اگرچه بعدها در دوره ایلخانی مسجد استاد و شاگرد و بناهای وابسته به آن ضلع شمالی میدان را تشکیل می‌دادند، اما مسجد جامع علیشاه و مدرسه و زاویه وابسته به آن در مرکز میدان احداث شده بود - و نه در یکی از لبه‌های آن - و هنوز هم این ساخت مشهود است. مسأله بسته نبودن کامل لبه‌های میدان باعث گشته است که در داخل اکثر میدانهای قدیمی آذربایجان، ساخت و سازهایی جدید انجام گیرد که کلیت مفهوم میدان را حذف کنند مانند میدان قدیم تبریز^(۱) و میدان جلو مسجد جامع طسوج و میدان صاحب‌آباد تبریز در دوره آق قویونلوها؛ اما در میدانهایی که در فلات داخلی و یا به پیروی از آن ساخته شده است، حتی اگر فضای داخلی میدان تصرف شده باشد، با توجه به لبه‌های مشخص محاط کننده (معمولا چهار ضلع)، بازیابی و تشخیص میدان راحت‌تر است. از این گونه میدانها می‌توان به میدان نقش جهان اصفهان، میدان گنجعلی‌خان کرمان، میدان صاحب‌الامر تبریز (بعد از زلزله سال ۱۱۹۴ هـ ق در بخشی از محل میدان صاحب‌آباد ساخته شده است) و میدان علاف خان سنندج^(۲) اشاره کرد؛ و به همین دلیل است که اکثر میدانهای گونه دوم باقی مانده است و یا شکل و پلان آن راحت‌تر قابل بازیابی است. در نتیجه، هر زمان سخن از میدانهای قدیمی ایران به میان می‌رود، شکل این گونه میدانها به ذهن می‌رسد.

میدان صاحب‌آباد در دوره آق‌قویونلوها تا اواسط دوره صفوی با توجه به اسناد از گونه اول؛ یعنی میدانهایی است که استقرار بناهای مجزا در دور و داخل فضایی وسیع، «میدان» وسیعی را ایجاد می‌کرد.

روند شکل‌گیری تاریخی شهر تبریز

۱ - شکل‌گیری هسته اولیه شهری: اواسط قرن سوم تا اواسط قرن پنجم هجری؛
 «... تبریز شهری است خرد و با نعمت و آبادان و از وی باره‌ایی و آن علاء ابن احمد کرده است» (۱۱/ص ۹۲).

۲ - گسترش شهر به مرکزیت مسجد جامع و مجموعه حکومتی به عنوان مرکز حکومتی منطقه: از اواسط قرن پنجم تا اواخر قرن هفتم هجری؛

«تبریز شهری زیبا و آبادان و پرجمعیت و پربره و حاصلخیز است. بازارهایی و داد و ستد دارد. این شهر قصبه آذربایجان و امروزه آبادترین شهر آن است» (۱/ص ۸۴).

تبریز... شهری استوار و برتر از مدینه الاسلام... مسجد آدینه‌اش در میان شهر بنیاد یافته است... (۱۴/ص ۵۶۱).

۳ - تبدیل شدن به یکی از مهمترین و بزرگترین شهرهای جهان آن روز از لحاظ سیاسی - اقتصادی و تشکیل مجموعه‌های بسیار با ارزش شهری با قطبها و هسته‌های گسترش متعدد: اوایل قرن هشتم تا قرن دهم هجری؛

«... به تبریز رسید... پسرش را در میدان تبریز به یاسا رسانیدند... و پادشاه اسلام غره ذی الحجه از شم در تبریز آمد و در جامع بنماز آدینه حاضر شد... سته ست و تسعین و ستمانه در میان باغ عادلیه بموضع شم بنیاد قبه عالی نهاد...» (۹/ص ۱۱۷).

«... شهر تبریز که این زمان دارالملک است... شهری چندین هزار آدمی در آن ساکن‌اند... چندین هزار خانه بیرون بارو بسازند... بر هر دروازه از دروازه‌های نو تبریز داخل شهر متصل دروازه کاروان سرایی بزرگ و چهار بازار و حمام بنا کرده» (همان/صص ۲۰۴-۲۰۶).

«... در سال ۷۰۲ (غازان خان) فرمان داد تا تبریز را بارویی استوار بسازند... طول آن پنجاه و چهار هزار گام... تا مردم به آبادانی و احداث قنات‌ها و ساختن خانه‌ها ترغیب شدند و همین عمران و آبادانی را در سایر شهرها معمول داشت...» (۱۵/ص ۲۳۱).

«چون در عهد مغول آن شهر (تبریز) دارالملک گشت... بر هر دروازه زیادت از اصل شهر آبادانی پیدا شد... در زیر شهر به موضعی که شام می‌خوانند، خارج باروی غازانی، غازان خان شهرچه برآورده است... در بالای شهر وزیر سعید خواجه رشیدالدین... شهرچه دیگری ساخته و ربع رشیدی نام کرده و درو عمارات فراوان عالی برآورده» (۱۲/ص ۷۶).

۴ - تداوم حیات به صورت مرکز تجاری - سیاسی مهم منطقه‌ای تا اواخر قرن دوازدهم هجری، قرون هفتم و هشتم هجری، تبریز چه به عنوان پایتخت ایلخانان مغول و چه به عنوان یکی از مهمترین مراکز تجاری و اقتصادی جهان؛ موزه‌ای وسیع از ساخت و سازهای شهری مانند مجموعه‌های بزرگ مسکونی، کاخها، کوشک باغها و ... بوده است.

یکی از باغهای وابسته به شهر تبریز، باغ خواجه شمس‌الدین محمد جوینی (صاحب‌دیوان) وزیر ایلخانان مغول بوده است که آن را در شمال شهر تبریز و برکرانه شمالی رودخانه مهران‌رود ایجاد نموده بود. مجموعه حکومتی با عنوان دولتخانه در دوره آل جلائر در منطقه ششگلان واقع شده بود. در دوره قراقویونلوها جهان‌شاه، دولتخانه را به باغ صاحب‌آباد انتقال داد (الف) و از آن پس محل دولتخانه قبلی دولتخانه قدیم خوانده شد.

اوزون حسن آق قویونلو پس از غلبه بر قراقویونلوها و تشکیل سلسله آق قویونلو در ایران، مرکز حکومت ایران را در میدان صاحب‌آباد توسعه داد و مجموعه‌ای بسیار مهم و تأثیرگذار را در میدان صاحب‌آباد و دولتخانه جدید ایجاد کرد.

روند شکل‌گیری میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه

۱- ایجاد باغ صاحب‌آباد توسط خواجه شمس‌الدین محمد جوینی (صاحب‌دیوان) در دوره ایلخانی؛

۲- انتقال دولتخانه از ششگلان به صاحب‌آباد توسط جهان‌شاه قراقویونلو؛

«در محله ششگلان موضعی است مشهور به دولتخانه کهنه... گویا سلاطینی که پیش از جهان‌شاه پادشاه بوده‌اند، آنجا منزل داشته‌اند. جهان‌شاه دولتخانه را به اینجا آورده، این باغی بوده موسوم به صاحب‌آباد منسوب به صاحب شهید خواجه شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان ممالک...» (۲/ص ۴۷۰).

۳- شکل‌گیری بناها و عناصر حکومتی و مذهبی به دور میدانی وسیع در صاحب‌آباد و انتقال و تجمیع قطبهای مهم شهری (با کارکرد فرامنطقه‌ای و کشوری) در شمال مهران‌رود و در امتداد و همخوان با بازار (مهمترین قطب شهری ماندگار در تاریخ تبریز) توسط حسن پادشاه آق قویونلو؛

«... در دیگری که در سمت مشرق (کاخ) است، در میدانی بزرگ قرار دارد... هر وقت مراسم جشن در این میدان برپا می‌شد، حسن بیگ با بسیاری از امیران خود به این عمارت می‌آمدند... از این نقطه منظره باشکوه میدان دیده می‌شود با مسجد و بیمارستانی که در آن ساخته‌اند...» (۷/ص ۴۱۸).

«دیگر از آثارش (حسن پادشاه) قیصریه ایست که معماران مهارت شعار قایلند که تا غایت عمارتی بدین زیبایی و پرکاری بنا نشده است» (۱۴/صص ۵۶۷ - ۵۶۸).

«در قرب همان مسجد (مسجد جامع حسن پادشاه) جامع دیگری به نام جامع شاه مقصود (پسر اوزون حسن) است...» (۱۳/صص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ برگرفته از سفرنامه اولیا چلبی در سال ۱۰۵۰ هـ.ق).

۴- ادامه و گسترش مجموعه حسن پادشاه و میدان صاحب‌آباد تا حکومت شاه طهماسب صفوی به عنوان مرکز حکومت ایران و پس از آن به عنوان مرکز ولایت آذربایجان «... در مقابل جامع اوزون حسن جامع شاه عباس است که بسیار عالی ساخته شده است...» (۱۳/صص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ برگرفته از سفرنامه اولیا چلبی در سال ۱۰۵۰ هـ.ق). همچنین بناهای اصلی دوره آق قویونلو مورد بی‌مهری قرار گرفت و در نتیجه تخریب طبیعی حاصل از عدم حفاظت آنها آغاز شد. «... در این زمانی که تاریخ هجری به نهصد و هشتاد رسیده است، رونق مسجد (جامع حسن پادشاه) برعکس زمان

حسن پادشاست...» (۴/ صص ۵۶۷ و ۵۶۸) «در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاور آن بقیه آثار بناهای باشکوهی دیده می‌شود و چهار پنج مسجد که در عظمت بنا بی‌نظیر هستند، به خرابی واگذارده‌اند...» (۳/ ص ۶۷).

۵- تخریب مجموعه حسن پادشاه و صاحب‌آباد همانند دیگر بناها و مجموعه‌های شهر تبریز در زلزله سال ۱۱۹۴ هجری قمری؛

۶- بازسازی مجموعه با عنوان صاحب‌الامر در دوره قاجار به صورت بسیار محدودتر.

لبه جنوبی میدان صاحب‌آباد به رودخانه مهران رود ختم می‌شد. لبه غربی آن به مجموعه و قصر حسن پادشاه و در شرق به بنایی که بعدها مسجد و بقعه صاحب‌الامر بر روی آن ساخته شد. در داخل میدان نیز مسجد حسن پادشاه و بیمارستان قرار داشت. از دیگر بناهای میدان در این دوره می‌توان به مسجد جامع شاه مقصود اشاره کرد.

ساخت و سازهایی که از دوره شاه تهماسب صفوی آغاز شد، روندی را طی کرد که عملاً میدان را به دو قسمت مجزا تقسیم کرد. ساخت و سازهایی در دو جانب شرقی و غربی بیمارستان و مسجد حسن پادشاه و چسبیده به آن، عملاً میدان را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرد که ساخت و سازهای دوره صفویه مخصوصاً در ضلع شمالی بخش شمالی، میدانی بزرگ چهار ضلعی با لبه‌های مشخص - البته با بناهای جدا از هم - را ایجاد کرد و بخش جنوبی همانند گذشته خویش دوباره به عنوان بخشی از باغهای صاحب‌آباد مشجر گشت.

آرام آرام در داخل میدان مخصوصاً در بخش شمالی ساخت و سازهایی ایجاد شد و بخشهایی از میدان با این ساخت و سازهای جدید تصرف شد.

پس از زلزله سال ۱۱۹۴ هـ ق و بازسازی شهر تبریز، بخش شمالی میدان بکلی حذف شد و بخش محدود جنوبی باز به صورت میدان، اما با بناهای بسیار محقرتر و بیشتر به صورت تجاری - مذهبی احیا گشت.

میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه در زمان حکومت حسن پادشاه

«پیغام داده بود که باید به میدان بروم و تماشای تفرج یعنی بازی کنم. سه هزار سواره دیدم و بیش از دو برابر این عده پیاده... بعضی هم از پنجره‌ها به بیرون نظاره می‌کردند... بسیاری از آنها بر زمین افتادند، گروهی در خود میدان و برخی دیگر در رودخانه‌ای که در میان شهر جاری است...» سفرنامه ونیزیان در ایران (۷/ ص ۶۹).

میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه در دوره شاه اسماعیل صفوی (اوایل دوره صفوی)

«در دیگری که در سمت مشرق است، در میدانی قرار دارد و به باغ باز می‌شود. این در درگاهی آجری به شکل طاق دارد... بر فراز این درگاه بالاخانه‌ای بزرگ با اتاقهای بسیار و تالاری سرپوشیده... در طرفی که روبه میدان است، ایوانی گرد دیده می‌شود به رنگ سفید... هر وقت مراسم جشن در این میدان برپا می‌شد حسن بیگ با بسیاری از امیران خود به این عمارت می‌آمدند... فاصله این در از کاخ سلطنتی بیشتر از فاصله دیگر درهاست و از این نقطه منظره باشکوه میدان دیده می‌شود با مسجد و بیمارستانی که در آن ساخته‌اند...» (۷/ ص ۴۸).

«اسماعیل هر روز به میدان می‌آمد و با امیران سرگرم تیراندازی می‌شد...» (همان/ ص ۴۱۸).

توصیف میدان صاحب آباد و مجموعه حسن پادشاه در دوره صفوی

«میان میدانهایی که من در شهرهای مختلف دیده‌ام، میدان تبریز از همه وسیعتر است، حتی از میدان اصفهان نیز بزرگتر می‌باشد. در زمانهای گذشته بارها و بارها ترکان عثمانی سی هزار مرد سپاهی برای جنگ در این میدان گرد آورده‌اند. در تبریز میدان بزرگ دیگر نیز هست. این میدان نزدیک قلعه ویران شده معروف به قلعه جعفرپاشا واقع است. می‌گویند زمانی که قلعه آباد بوده، این میدان مرکز تجمع تسلیحات و لوازم جنگی بوده است، اما اکنون کشتارگاه شهر است...» (۳/ص ۴۷۹).

«در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاور آن بقیه آثار بناهای با شکوهی دیده می‌شود و چهار پنج مسجد که در عظمت بنا بی نظیر هستند، بخرابی واگذارده‌اند... در میدان بزرگ تبریز و مجاور آن یک مسجد عالی و مدرسه و قصری دیده می‌شود که همه خراب شده و در شرف انهدام هستند. همه این بناهای عالی متروک مانده‌اند، برای اینکه پیروان عمر آنها را ایجاد کرده‌اند. نزدیک همان میدان کلیسایی هم متعلق به آرامنه هست که خراب شده... و باز مسجدی دیده می‌شود که سابقاً کلیسایی بوده است...» (۳/ص ۶۷).

«... در میدان مشرف به این مسجد و روبروی آن قصر زیبایی از طرف ترکها هنگام حکمرانی در تبریز بنا شده...» (۷/ص ۲۲).

ساخت مجموعه نصریه

«در آن وقت که مرض بر ذات عدیم المثال سلطان حسن مستولی شده و از حیات خود مأیوس گشته، در پیش عیالان خود درویش قاسم را طلبیده گفته سهوی عظیمی از من واقع شده که از برای خود مقبره و زاویه و مسجدی نساختم... در حوالی قبر من مسجدی و زاویه‌ای بنیاد کنی... چون سلطان معدلت شعار رخت از این سرای فانی بر می‌بندد... بانگ روزی میان سلطان خلیل و برادرش سلطان یعقوب (پسران حسن پادشاه)... سلطان یعقوب غالب می‌شود و سلطنت بروی قرار می‌گیرد. درویش مومی الیه بخدمت سلطان یعقوب آمده... در سنه اثنتین و ثمانین و ثمانمانه (۸۸۲ هـ ق) بسیاری از سادات و مشایخ و علما و حکما و منجمان جمع ساخته ساعت اختیار می‌نمایند و سمت قبله را تعیین فرموده بنیاد طرح عمارت نصریه را می‌اندازند و در هر مملکتی و ولایتی که استاد کاران و معماران حاذق بی‌بدل باشند، طلب می‌کنند و بعمارت مشغول می‌گردند، بعرض هفت سال... (۸۸۸ یا ۸۸۹ هـ ق)... در آن روزی که قالیهای مسجد را می‌اندازند دعوت عظیم می‌کنند...» (۲/ص ۹۱).

«... کاخ را در مرکز باغی بزرگ و زیبا نزدیک شهر ساخته‌اند که فقط نهری در سمت شمال، قصر و شهر را از هم جدا می‌کند. در آن محوطه مسجدی زیبا نیز ساخته‌اند که بیمارستانی مجهز و سودمند بدان پیوسته است» (۷/ص ۴۱۴).

«... از این نقطه منظره باشکوه میدان دیده می‌شود با مسجد و بیمارستانی که در آن ساخته‌اند، و پیش از این نام برده‌ام. این مسجد که سلطان حسن بیگ ساخته است، بسیار بزرگ است و دارای اتاقهای بسیاری است که با گچ و نیل و طلا آن را تزیین کرده‌اند.»

میان بیمارستان و مسجد فقط دیواری کشیده‌اند و خارج از بیمارستان از یک سو تا سوی دیگر، مصطبه‌ای ساخته‌اند که ارتفاعش یک ذراع و پهنایش دو یارد است. زنجیری آهنین نیز از یک سو تا سوی دیگر گرداگرد این مصطبه کشیده بودند تا هیچ اسبی وارد مسجد و بیمارستان و مصطبه نشود» (۷/ص ۴۱۸).

«این مسجد به جامع سلطان حسن موسوم است، و قبرش در نزدیک این جامع است. محراب و منبر این مسجد بسیار زیبا ساخته شده است، و نمونه‌ای از صنایع ظریفه است. قبه‌های این مسجد کاشی کاری شده، و روزنه‌های آن که به چهار طرف باز می‌شود، از صنایع ظریفه آهنگری است، و با سنگهای نجفی مزین و آراسته شده است.

در اطراف اربعه این مسجد اشکال گوناگون و نقشه‌های اسلیمی و کتیبه‌های ترنجی منقش و گل بونه‌هایی از گچبری و کاشی کاری هست که استادان و هنرمندان چیره دست در نقش و نگار آنها مهارت خود را نشان داده‌اند. بالای این درها و روزنه‌ها کتیبه‌هایی است که تماما با خط ثلث شبیه خط یاقوت مستعصمی نوشته شده است. در طرفین این مسجد دو قطعه ستون سنگی زرد رنگ است که هر یک از آنها برابر باج و خراج ایران و توران است و گویا از کهربا (است) و گویا نظیر این ستونها در عالم وجود ندارد. بنای این عمارت را با سنگ و سرب نهاده‌اند و بطرز جوامع سلاطین آل عثمان در استانبول مزین و آراسته است» (۲/ص ۶۱۳؛ به نقل از سیاحتنامه اولیا چلبی، ص ۱۶).

«این مسجد جلوخان زیبایی دارد که کاشی کاری آن در نهایت ظرافت و هنرمندی بعمل آمده است. ازاره و اطراف درب آن از مرمر خوشرنگی حجاری شده و در آن مرغها و گلها و بوته‌های به هم آمیخته که بر شباهت به اسلوب ایتالیایی نیست، تعبیه گردیده است. درب سنگی این مسجد یکپارچه ضخیم صورتی رنگ است که حجاری آن نیز ظرافت و عظمتی دارا می‌باشد. این در به دالانی باز می‌شود که راهی به حیاط مربع وسیعی دارد و می‌توان با گذشتن از زیر سه طاق بزرگ وارد مسجد شد. در قسمت جلوی مسجد دو برج مزین به کاشی قرار گرفته و داخل مسجد در قسمت وسط گنبد وسیع و بلندی دارد که از پارچه‌های مرمر سفید حجاری شده و طلا و لاجورد مرصع است. به ظریفترین و قشنگترین نقشه‌های عربی (آرایسک: طرحهای انتزاعی مانند اسلیمی و ختایی‌ها و...) مزین است. محراب زیبا و مجللی دارد که مردم هنگام نماز رو به آن می‌ایستند. در اطراف درهایی وجود دارند که به حجره‌های متعدد متصل‌اند. ایوان یا رواقی دور تا دور طبقه فوقانی تعبیه شده که هر طرف سه ستون زیبای سنگی دارد، ولی معلوم نیست چرا این ستونها با هم برابر نیستند و ستونهایی که در طرف مغرب و مشرق قرار گرفته‌اند، متساوی و کوتاهتر از شش ستون دیگر شمالی و جنوبی می‌باشند. دیوارهای مسجد از مرمر کبود بسیار نفیس و قیمتی پوشیده شده. منبر ۱۵ پله‌ای مسجد از چوب گردو ساخته شده و مثبت کاری ظریفی دارد.

کف این مسجد عالی را که اینهمه وسایل و لوازم قیمتی در بنای آن صرف شده، یکپارچه حصیر مندرس پوشیده مفروش می‌کند؛ چه مسلمانهای ایران به این مسجد که توسط پیروان عمر بنا شده به نظر حقارت می‌نگرند. در قسمت جنوبی این مسجد باز باغ مشجری وجود دارد. در جوار این مسجد یک بنای دیگری هست که معاصر و از حیث معماری شبیه همین مسجد است و فعلا رویه خرابی می‌رود.

می‌گفتند که اینجا مقبره و غسلخانه است. ... در میدان مشرف به این مسجد و روبروی آن قصر زیبایی... بنا شده...» (۷/ صص ۲۲ و ۲۳).

«از آثارش مسجدی است در تبریز که هیچیک از پادشاهان غمارتی بدین گونه پرفیض بر سطح مرکزی خاک نکرده‌اند. طشت زرین مهر از انفعال طشت زرنگار دیوارش هر صباح سرخ برآید و رنگ فیروزه سپهر از رشک فیروزی لاجورد و کاشی‌اش به کبودی میل نماید. دو منار بر یمین و یسار این مسجد سر از سپهر دوار کشیده است. در زمان حسن پادشاه از جزویات ماکول و ملبوس و غیرها در بقعه حاصل و مهیا بود. اما در این زمان که تاریخ هجری به نهصد و هشتاد رسیده است، رونق مسجد برعکس زمان حسن پادشاست...» (۴/ صص ۵۶۷ و ۵۶۸).

فرضیات قبل از گمانه زنی

با توجه به طرح شاردن از تبریز در دوره صفویه مشخص است که از همان زمان داخل میدان و در جوار بناهای با ارزش میدان، بناهای جدیدی در حال احداث است؛ احتمالاً در دوره قاجار این ساخت و سازها اکثر بخشهای میدان را تصرف کرده است. پس از زلزله سال ۱۱۹۴ هـ ق حفاصل خرابه‌های مسجد و این بناها در بر شمالی و جنوبی مسجد، فضای خالی از ساخت و ساز که آوار بناها بر روی آن نریخته است؛ نسبت به محل ساخت و سازها که سطح ارتفاعی آنها با توجه به آوارهای ناشی از زلزله بالاتر قرار داشت، به صورت چاله‌های عمیقی بین محل ساخت و سازها به وجود می‌آورد. در بازسازیهای دوره قاجار با توجه به لزوم سرعت در بازسازی تخریبات بسیار شدید زلزله، ساخت و سازهای جدید را باید بر روی همان پی و بقایای زیر سازی بناهای قدیمی تخریب شده انجام می‌دادند. البته، علاوه بر این مسأله، حد و حدود و عرصه مالکیت‌ها و در مورد بناهای مذهبی مانند مسجد جامع حسن پادشاه، مسأله زمین مشخص و قفی نیز ساختن بنا بر روی بقایا و پی‌های بنای قدیمی را ملزم می‌نمود.

مدرسه اکبریه از بناهای داخل میدان که در سال ۱۲۶۴ هـ ق ساخته شده است، در وضع موجود حدود هشتاد سانتی متر از کف وضع موجود میدان پایین‌تر است. این در حالی است که این مدرسه حدود ۳۷۵ سال از مسجد جامع حسن پادشاه جدیدتر است؛ یعنی در کمتر از ۱۷۰ سال که هیچ زلزله شدیدی هم در تبریز رخ نداده است که آوارهای آن تراز ارتفاعی ساخت و سازها را در این میدان افزایش غیر طبیعی بدهد، این افزایش سطح تراز کف را در میدان داریم. اگر این روند افزایش تراز سطح ارتفاعی کف را در متغیر طول یعنی زمان نسبت به تغییرات سطح تراز ارتفاعی مدرسه اکبریه به میدان به عنوان دامنه متغیر در بردار مختصات در نظر بگیریم، تراز ارتفاعی کف میدان در حد اتصال به مسجد باید حدود ۱/۷۵- متر باشد. در این فرضیه به دو علت کف میدان در حد اتصال به مسجد - نه کف مسجد - در نظر گرفته شد:

۱- اگر عظمت گنبد مسجد جامع حسن پادشاه را مانند توضیحاتی که سیاحان و تاریخ نگارانی که آن را مشاهده و توصیف کرده‌اند، در نظر بگیریم، هنگام ریزش در زمان زلزله باید سطح ارتفاعی آوارهای آن از محدوده اطراف بسیار بلندتر بوده باشد، که ارتفاع فضای داخلی موجود کف مسجد قاجاری نسبت به بناهای اطراف، باید به همین دلیل باشد.

۲- بناهای مهم آذربایجان تا قرن دوازدهم هجری قمری هم به لحاظ زیبایی در دید بصری و هم به خاطر مسایل اقلیمی بر روی سکوی بلندی ساخته می‌شدند، که از جمله آنها می‌توان به مصطبه‌های دوره ایلخانی زیر بقعه سید حمزه و

مسجد جامع تسوج (در بخش جنوبی با سه متر ارتفاع) و مصطبه زیر مسجد جامع شبستر که هر سه توسط نگارندگان همین مقاله بازبایی و مرمت شده است و سکوی زیر مسجد کبود و توضیحات سکوی بناهای میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه توسط سیاحان اشاره کرد.

ضمناً قرارگیری این مجموعه در کنار مهران رود که خسارات حاصل از طغیان و سیلابهای آن به بناهای محدوده اطراف آن در تبریز بارها و بارها اتفاق افتاده است، معماران را مجبور می‌کرد که ارتفاع این سکوها را در حداکثر توان ممکن و تا جایی که کاربری را مختل نکند، بالا ببرند. در نتیجه، این سکو نیز در افزایش سطح ارتفاع آوارها مسلماً تأثیر گذار بوده است.

در وضع موجود در بر جنوبی مسجد، زیرزمینی با عملکرد شبستان زمستانی مسجد قرار داشت که تا کف مسجد حدود سه متر و با کف میدان حدود دو متر اختلاف ارتفاع داشت. با توجه به توضیحات قبلی این فرضیه را بررسی کردیم که: «در بازسازیهای مسجد در دوره قاجار، جهت حل مسأله اختلاف ارتفاع حفاصل آوار ساخت و سازهای قدیمی در بر شمالی و جنوبی مسجد طاق و گنبدهایی را ایجاد کرده‌اند که هم این طاقها مانند پلهایی دو طرف مرتفعتر را به هم متصل کند و هم فضایی مورد استفاده مفید را با آن ایجاد کنند. با همین فرض باید در سمت شمالی مسجد نیز زیر تخته پوش کف مسجد چنین طاقهایی وجود داشته باشد که نمای جنوبی آن، نمای شمالی سکو و بقایای دیوار مسجد دوره آق قویونلو زیر بنای مسجد تخریب شده دوره قاجاری باشد».

نتایج گمانه زنی تا آناستیلوز بقایا

شناختها و فرضیات و بررسیها و مطالعات تکمیلی میدانی یاد شده، قبل از انجام خاکبرداریهای لازم جهت پی‌سازیهای کارهای مرمتی و احیای میدان از جمله مسجد حسن پادشاه انجام گرفت تا از هرگونه تخریب بقایای با ارزش معماری دوره‌های قبل از قاجار جلوگیری شود.

سوندازهای لازم که مطابق این بررسیها در سال ۸۴ انجام شد، خوشبختانه این فرضیات مبتنی بر شناخت را تأیید نمود. البته، با درصد کمی تفاوت، از جمله اینکه ما بر اساس بررسیهای تطبیقی ارتفاع سکوی زیر بنا را ۲/۴۰ متر محاسبه کرده بودیم، در حالی که در گمانه زنی مشخص گردید که ارتفاع این سکو ۲/۲۵ متر است.

همانطور که گفته شد، مسجد حسن پادشاه در دوره قاجار بر روی بقایای مسجد اصلی ساخته شده بود. در معماری این مسجد جدید که دارای سقف چوبی و پایه‌های آجری بود، از آن عظمتی که سیاحان از کاشی کاری‌ها، حجاری‌ها، گنبدهای عظیم، صفا سازی مرتفع، ستونهای سنگی بی‌نظیر محراب و غیره مسجد حسن پادشاه ذکر کرده‌اند، چیزی دیده نمی‌شد. تنها بقایایی که احتمال می‌رفت از مصالح اصلی مسجد استفاده شده باشد، کتیبه سنگی حجاری شده‌ای در کنار ورودی فضای مسجد تازه ساز و کتیبه سنگی قرار داده شده در محل نعل درگاهی ورودی مدرسه و ستونی و کتیبه‌ای حجاری شده در فضای اصلی مسجد بود.

پس از بررسیهای وضعیت موجود و مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیقی بی‌گرددیها و لایه برداریهای هدفمند در بنا انجام شد که نتایج بسیار ارزشمندی به دست داد که در شناخت معماری زمان آق قویونلوها که تا به امروز کاملاً ناشناخته - از لحاظ کالبد موجود - بود، کمک شایانی می‌کند.

از بقایای به دست آمده می‌توان به نمایان شدن چندین ستون سنگی حجاری شده علاوه بر ستون قلبی موجود که در واقع نقش پایه زیر نعل درگاهها و قاب عمودی دور قاب بندیهای جزرها و دیوارهای داخلی فضای اصلی و گنبد خانه مسجد را برعهده داشته‌اند، اشاره کرد.

از دیگر تزیینات وابسته به معماری می‌توان به چندین نوع کاشی کاری اشاره کرد:

کاشی کاری معرق که شامل نقوش اسلیمی و ختایی و خط بنایی است. در این نقوش بیشترین رنگهای به کار رفته لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید، طلایی و سیاه هستند.

نوع دیگر کاشی کاری، کاشیهای هفت رنگ لعاب بر جسته با زمینه سیاه یا سفید و دارای نقوش سبز و آبی و عسلی است که نقوش شامل ختایی‌ها و انواع گل و برگ است. ضمناً قالب کاشی‌های هفت رنگ علاوه بر خستی در انواع مختلف ترنج و چند پر است. در مسجد حسن پادشاه همانند بخش پایین دست ورودی سردر بنای دوره قراقویونلوی مجموعه درب امام اصفهان، ترکیبی از گره چینی سنگ و کاشی کار شده است که از کنار هم گذاشتن کاشیهای مختلف شکل و سنگهای چند وجهی (آلتهای گره)، نوعی زیبا و هم شیوه از تزیینات با ترکیب سنگ و کاشی را به وجود آورده‌اند.

نوع سوم از کاشی‌کارهای بنا شامل: کاشیهای هفت رنگی است که اکثر بخشهای آن از دو رنگ آبی و سفید پوشیده شده و ضمناً در بخشهای محدب و نیم دایره‌ای نیز از همین نوع کاشی استفاده شده است. ضمناً آجرهای لعاب‌دار و کاشیهای زیادی به رنگ آبی، فیروزه‌ای و قهوه‌ای به دست آمده که بیشتر به حاشیه‌ها و لبه‌ها مربوط است.

ضمناً آجرهای لعاب‌دار و کاشیهای زیادی به رنگ آبی، فیروزه‌ای و قهوه‌ای به دست آمده که اکثر مربوط به نمای آجر - کاشی معقلی نمای بیرونی است و ضمناً در حاشیه‌ها و لبه‌های قابها مورد استفاده بوده است. یکی از مهمترین بخش تزیینات وابسته به معماری بنا، استفاده از کاشیهای مربعی تک رنگ لاجوردی و قهوه‌ای سوخته است که با آب طلا و با طرحهای اسلیمی مرصع شده است و به دلیل استفاده در بخش پایین دست بنا تذهیب آنها پاک شده است و تنها نشانه‌هایی از طرحهای مطالی آن باقی مانده است.

بخش زیادی از تزیینات مربوط به کتیبه‌های حجاری شده مزین به آیات قرآن و با خط ثلث جلی بسیار نفیس است که در بر گیرنده آیاتی از سوره‌های آل عمران، ابراهیم و فتح است. این کتیبه‌ها دور تا دور فضای داخلی مسجد را محیط می‌کرده است. «بالای این درها و روزنه‌ها کتیبه‌هایی است که تماماً با خط ثلث شبیه خط باقوت مستعصمی نوشته شده است» (۲/ص ۶۱۳؛ به نقل از سیاحتنامه اولیاچلیبی، ص ۱۶).

در صدفه سازی (مصطبه زیر بنا) و پلاک بدنه‌های خارجی از سنگهای خاکستری رسوبی رودخانه‌ای استفاده شده است. ضمناً از سنگ‌های رسوبی قرمز رنگ اطراف تبریز نیز استفاده شده است. جنس ستونها و کتیبه‌های حجاری شده و سنگ بدنه نمای داخلی از جنس سنگهای آهکی سبز رنگی بوده است که در مقابل آب و رطوبت و در محیط آزاد بسیار ضعیف و تخریب شونده است.

در داخل محراب مسجد بازسازی شده در دوره فاجار از سنگ مرمری با رنگ زرد مایل به کرم استفاده شده است. این سنگ مرمر از نظر ابعاد کلی و نحوه تراش همخوان با دو سنگ مرمر مربوط به محرابهای جانبی مسجد کبود

است. «در طرفین این مسجد (مسجد حسن پادشاه) دو قطعه ستون سنگی زرد رنگ است که هر یک از آنها برابر باج و خراج ایران و توران است و گویا از کهربا است و گویا نظیر این ستونها در عالم وجود ندارد» (همان).

البته، این امر قابل توجیه است، زیرا فاصله زمان ساخت مسجد کبود و مسجد حسن پادشاه کمتر از دو دهه است و تطابق در ساخت این دو مسجد به دور از ذهن نیست؛ چنانکه کاشی‌کاریهای معرق به دست آمده از مسجد حسن پادشاه - چه از لحاظ نوع و چه از لحاظ رنگ - هم تیپ مسجد کبود است. نوار حاشیه‌ای سنگی را که کتیبه‌های آن در مسجد حسن پادشاه به دست آمده است، هم در مسجد کبود و هم در مسجد سید حمزه که در دوره صفویه ساخته شده است، می‌توان دید. این حاشیه خطی و قاب زیر آن در مسجد کبود در گنبد خانه اصلی به وسیله کاشی معرق اجرا شده است و در گنبد تربت خانه با نخته سنگهای عظیم از جنس مرمر، به گونه‌ای که کتیبه حجاری شده و قاب زیر آن عملکرد آزاره را دارد یکدست است.

در مسجد سید حمزه نیز این کتیبه‌ها سنگی هستند. در مسجد حسن پادشاه حاشیه حجاری شده و کتیبه زیر آن از هم جدا هستند، ولی کلیت ظاهری به غیر از تفاوت جنس و رنگ در هر سه مسجد یکی است. در پی‌گردیها و لایه‌برداریها، سکوی مرتفع سنگی مسجد به ارتفاع ۲/۲۵ متر و بقایای دیوار مسجد از زیر لایه‌های جدید خارج شده است.

نمای بیرونی سکو در ضلع شمالی به ارتفاع ۷۰ سانتی متر از سنگهای بادی مربعی در سه رج و ۱/۴۰ متر در چهار رج با سنگ خاکستری تراش خورده اجرا گردیده است. روی سکو نیز سنگ خانی با ضخامت ۱۲ سانتی متر و عمق ۴۵ سانتی متر کار شده است. در ضلع جنوبی نمای سکوی سنگی به صورت قاب بندی است که با نمای سنگی در بر شرقی صفا بنایی که بعدها مسجد و مقام صاحب‌الامر بر روی آن ساخته شده است، و صفا زیر مسجد کبود، به یک شیوه ساخته شده‌اند. عرض دیوار مسجد ۹۰ سانتی متر و از جنس آجر است و در نمای داخلی بقایای آزاره سنگی سبز از سنگهای تراش خورده با قاب‌بندی و کاشی کاری و ترکیب کاشی و سنگ باقی مانده است که در سال ۸۶ این بقایا توسط نگارندگان آناستیلوز گردید.

بقایای بنایی از دوره آق قویونلو که مسجد و مقام صاحب‌الامر بر روی آن ساخته شده است:

در بر شرقی وضعیت کنونی میدان صاحب‌الامر قرار دارد که شامل مسجد صاحب‌الامر (ثقه‌الاسلام)، مقام صاحب‌الامر و مدرسه اکبریه است. مسجد صاحب‌الامر در دوره قاجار پس از زلزله ۱۱۹۴ هـ ق توسط نجفقلی خان دنبلی، حاکم ولایت آذربایجان بازسازی شده است. در سال ۱۲۶۴ هـ ق مدرسه اکبریه در صحن این مسجد ساخته می‌شود و علاوه بر کاربری مدرسه، عملکرد ورودی مسجد را از میدان صاحب‌الامر نیز بر عهده داشته است. در سال ۱۲۶۵ هـ ق بخش مسجد، تخریب و بازسازی می‌شود و پس از آن نام ثقه‌الاسلام بر آن اطلاق می‌گردد. در اکثر نوشته‌های محققان، در مورد میدان صاحب‌آباد و مسجد و مقام صاحب‌الامر اشاره کرده‌اند که این بنا بر روی بقایای مسجد شاه تهماسب اجرا شده است و دلیل آن نیز این مطلب کاتب چلبی است که در کتاب جهان‌نما می‌نویسد: «در قسمت شرقی میدان متصل به جامع سلطان حسن، مسجد مزین دیگری وجود داشت که چون بنایش از شاه تهماسب بود عساکر عثمانی جابجا خرابش کردند».

چنان که کاتب چلبی می‌گوید، این مسجد در شرق میدان ساخته شده است و متصل به مسجد حسن پادشاه، البته نه در شرق میدان صاحب‌الامر، بلکه در شرق میدان صاحب‌آباد، به آن مفهوم از میدان که شرح داده شد و بنایی که در شرق متصل به مسجد حسن پادشاه باشد، هرگز نمی‌تواند در محل کنونی مسجد و مقام صاحب‌الامر قرار گیرد.

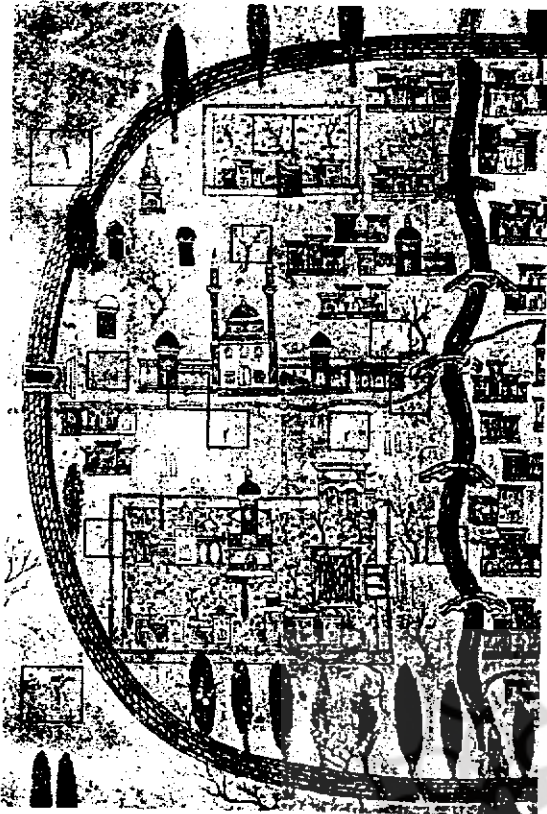
بر شرقی صفا سنگی زیر مسجد و مقام صاحب‌الامر در تراز ارتفاعی بسیار پایین‌تری از دیگر نماهای این مجموعه است. از نظر شیوه ساخت و تکنولوژی و مصالح به کار برده نیز با دیگر نماها متفاوت است. این نما از لحاظ تراز ارتفاعی و شیوه ساخت با تراز ارتفاعی و شیوه ساخت صفا زیر مسجد حسن پادشاه در نمای جنوبی همخوان است. ضمناً با صفا زیر مسجد کبود نیز که کمتر از دو دهه قبل از مسجد حسن پادشاه ساخته شده است، این همخوانی در شیوه ساخت وجود دارد. بر اساس مطالعات میدانی و تطبیقی، این مسجد بر روی بقایای یکی از بناهای دوره آق قویونلوی میدان ساخته شده است. اگر هم بنایی از دوره صفویه باشد، در آن صورت نیز احتمال اینکه بقایای مسجد شاه تهماسب باشد، بسیار کم است، زیرا با محل قرارگیری‌ای که کاتب چلبی از محل مسجد شاه تهماسب ارائه می‌کند، متفاوت است.

نتیجه

تاکنون حوزه شناخت پژوهشگران از میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه تبریز مختص به اطلاعات کتابخانه‌ای بر گرفته از توضیحات سیاحان گذشته و کلیت فضایی میدان صاحب‌الامر تبریز بود که در دوره قاجار بر روی بخشی از بقایای این میدان ساخته شده است، و اکثر هم در حدی مختصر و در حد اسمی از آن گذشته‌اند، اما حتی در مهمترین این پژوهش‌ها^(۳) نیز مفهوم «میدان» به طور کلی به پیروی از میدانهایی مانند «نقش جهان» و «گنجعلی خان» در نظر گرفته شده و در نتیجه تمام بناها را در لبه میدان تعریف کرده‌اند. ظاهراً این تضاد و عدم تسلسل ناشی از عدم شناخت مفهوم «میدان» در معماری منطقه بوده است.

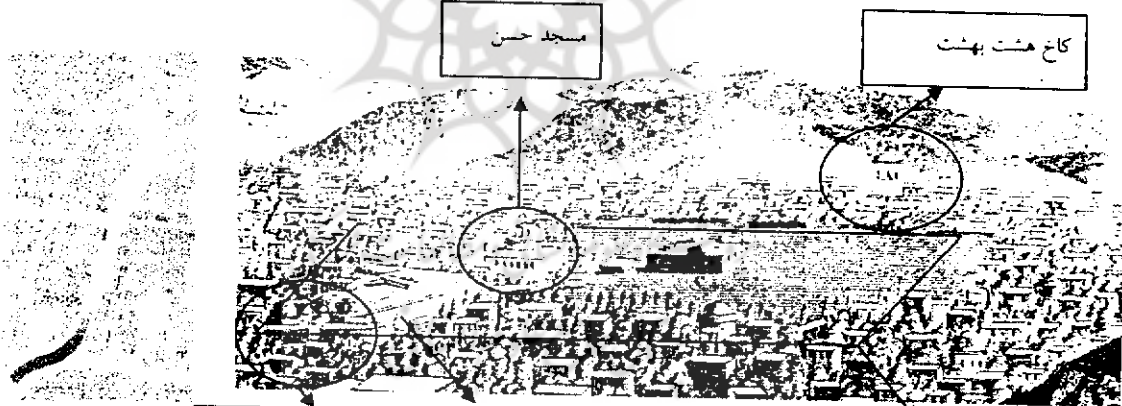
این عدم شناخت نه بر اساس عدم شناخت موضوع هدف؛ یعنی میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه، بلکه ناشی از مشکل و دغدغه بزرگی است که امروزه گریبانگیر اساتید و دانشجویان دانشکده‌های مرتبط با معماری ایران است و آن تعمیم دادن معماری فلات داخلی و مخصوصاً معماری سده‌های یازده و دوازده هجری قمری، بر کل معماری بعد از اسلام ایران است.

در نتیجه، بحث در خصوص گمانه زنی در مجموعه حسن پادشاه و میدان صاحب‌آباد، حاکی از دقت نظر سیاحان و مورخان در ترسیم سیمای کلی مجموعه و مفهوم میدان است. با وجود این، در مباحث تئوریک بعدی که به منظور باز شناخت این مجموعه انجام گردید، نشان داد محققان بعضاً دچار سوء برداشت شده و به جهت عدم دسترسی به پلان کلی بقایای مجموعه چندان موفق به ارائه مطلوب نگردیده‌اند. انجام گمانه زنیها و مرمت‌های نگرانندگان پیرامون مجموعه و میدان صاحب‌الامر امروزی در سال ۸۶-۱۳۸۵ بازبایی بقایای کالبد مسجد حسن پادشاه در دوره آق قویونلو و بنایی دیگر از همین دوره زیر مسجد صاحب‌الامر را در بر داشت؛ به همین جهت، با عنایت به گمانه زنیهای فوق امروزه می‌توان بصراحت سیمای کلی میدان در دوره‌های مختلف را بازسازی تصویری نمود و در مسیر احترام به مباحث تاریخی - فرهنگی در دامنه‌ای از زمان در وسعت گذشته تا آینده اقدام به مرمت جامع این مجموعه کرد.



بر گرفته از طرح مینیاتوری شهر تبریز - مطراقچی ۱

- ۱ - باروی شهر
- ۲ - میدان تبریز (میدان صاحب‌آباد)
- ۳ - رودخانه: مهران رود
- ۴ - مجموعه نصریه (مسجد حسن پادشاه، بیمارستان، مقبره، زاویه و...)
- ۵ - بنایی که در دوره قاجار مسجد صاحب‌الامر را بر روی بقایای آن ایجاد کردند.
- ۶ - دولتخانه جدید (دولتخانه حکومت در دوره حکومت قراقویونلوها و آق قویونلو و اوایل دوره صفویه)
- ۷ - مجموعه کاخها و بناهای حکومتی (قبه حسن پادشاه، قصر هشت بهشت سلطان یعقوب، قصر و سردر ورودی کاخهای حکومتی (عالی قاپو)، بقایای باغ صاحب‌آباد، استخر، حرمسرا)

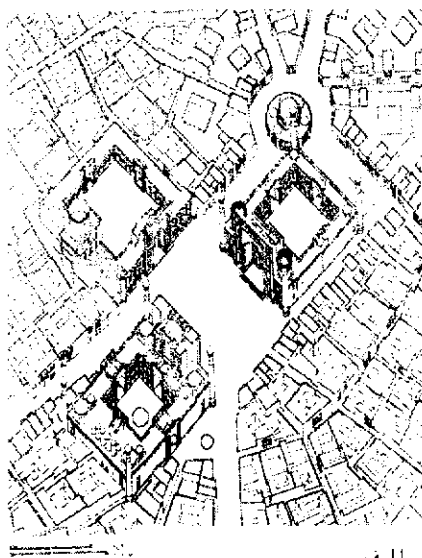


جانمایی مجموعه حسن پادشاه و میدان صاحب‌آباد در شمال رودخانه مهرانرود بر روی نقشه هوایی وضع موجود شهر تبریز

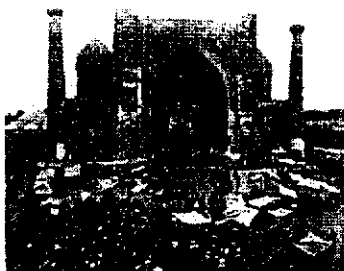
بخشی از بقایای میدان تغییر یافته که در دوره قاجار میدان صاحب‌الامر و صحن مسجد صاحب‌الامر و مدرسه اکبریه را در آن ایجاد کردند.

عرصه حدودی میدان قبل از تغییرات دوره صفوی (چهار ضلعی فقط جهت حدود و ابعاد آن است نه ترسیم شکل هندسی)

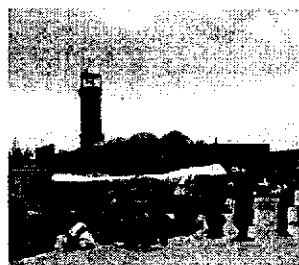
بر گرفته از طرح گراوری شاردن از شهر تبریز ۱



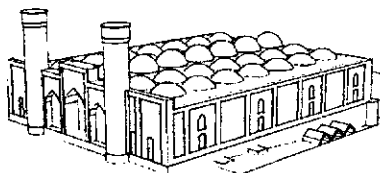
الف



الف



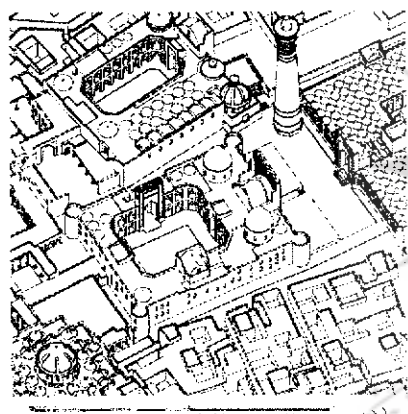
ب



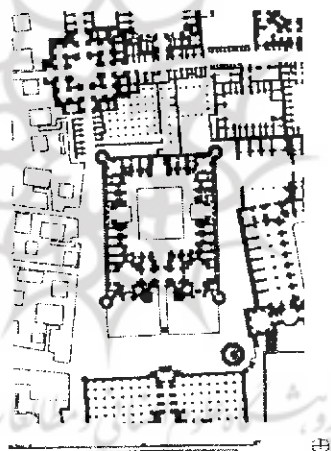
ج



ج



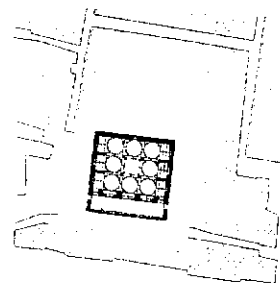
د



د



د



نمونه هایی از میدانگاههایی در حوزه فرهنگی سرزمین ایران که عناصر شاخص اصلی آنها لزوما در لبه های میدان قرار نگرفته است: (همانند میدان تبریز قبل از زلزله ۱۱۹۴ ه. ق)

الف - میدان ریگستان سمرقند - شکل گیری نهایی قرن ۱۷ میلادی

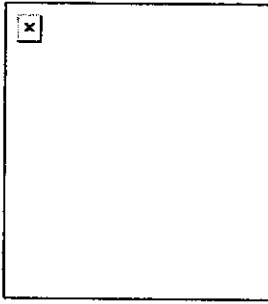
ب - میدان مسجد جامع سیس آذربایجان شرقی ۸۵۱ ه. ق

ج - میدان مسجد جامع طسوج - در دوره ایلخانی تا صفوی

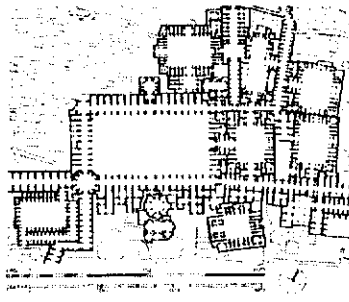
د - میدان و مجموعه پاقلیان بخارا - شکل گیری نهایی در قرن ۱۶ میلادی

ه - میدان مسجد بازا، مرند - کالد، ضمه معهد قاجار، ...

نمونه میدانهایی در حوزه فرهنگی ایران زمین که میدان به صورت چهار گوش مشخص که ساخت و سازها در لبه های آن گرفته است :



شکل - میدان علاف خان و مجموعه
امان ... خان سنندج - اوایل دوره
قاجار

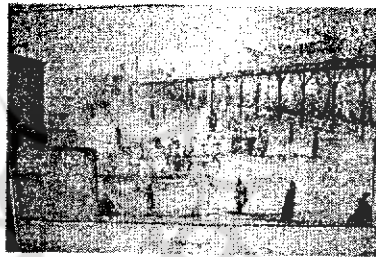


شکل - ۵ ب - میدان و مجموعه
گنجعلی خان کرمان در دوره صفویه



شکل - ۵ الف - میدان نقش جهان
اصفهان - بازار
و مجموعه حکومتی اطراف آن در
دوره صفویه

میدان صاحب‌الامر که پس از زلزله سال ۱۱۹۴ هـ. ق در بخشی از محل میدان صاحب‌آباد تبریز (در بخش جنوبی میدان) بصورت میدانی با عملکرد بازار ساخته شد:

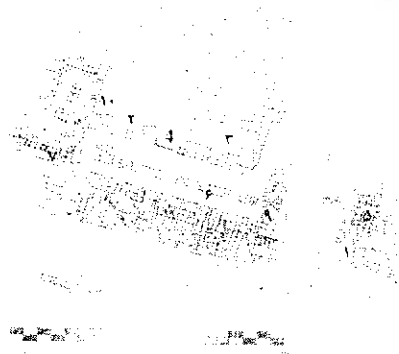


۱ - میدان صاحب‌الامر در یک نقاشی آبرنگ ایرانی. با توجه به اینکه در این نقاشی مقام و مسجد صاحب‌الامر هنوز کامل نشده است و در حال ساخت است باید مربوط به قبل از سال ۱۲۰۸ هـ. ق یعنی سال اتمام مسجد و مقام صاحب‌الامر باشد. نکته جالب اینکه مسجد معروف به حاج صفرعلی در سمت راست نقاشی (پشت ضلع جنوبی میدان با گنبد سالم و مناره‌اش که بر اثر زلزله نیمه مخروبه شده است همانند امروزه دیده می‌شود و یعنی اینکه گنبد

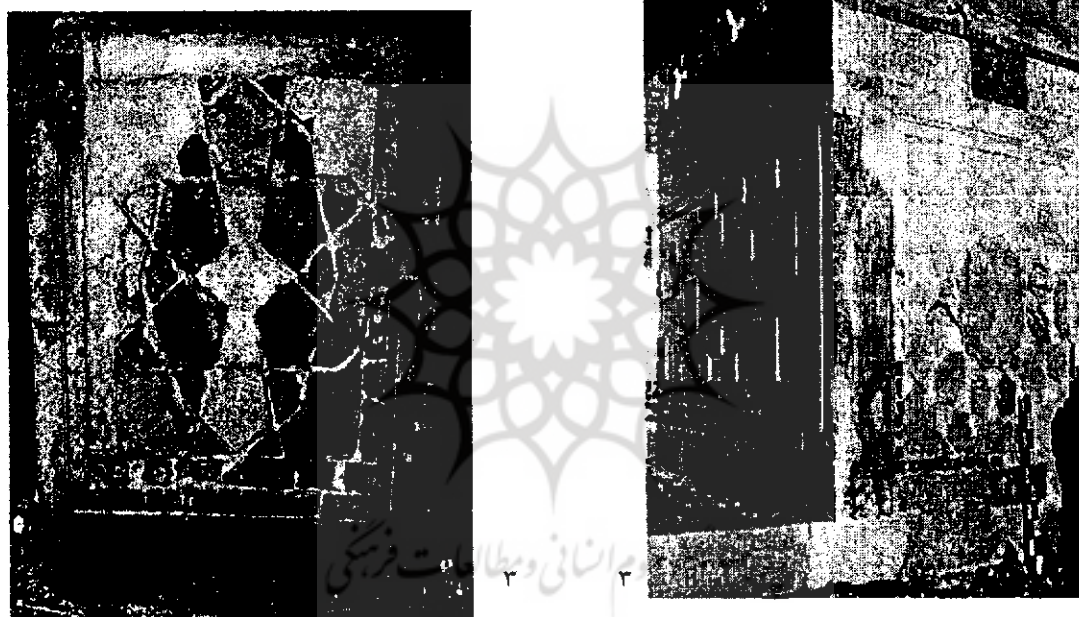


- ۳ - برداشت از نقشه دارالسلطنه تبریز تهیه شده در سال ۱۲۹۷ هـ. ق
- ۴ - برداشت از نقشه سیل دارالسلطنه تبریز در سال ۱۸۷۰ میلادی.

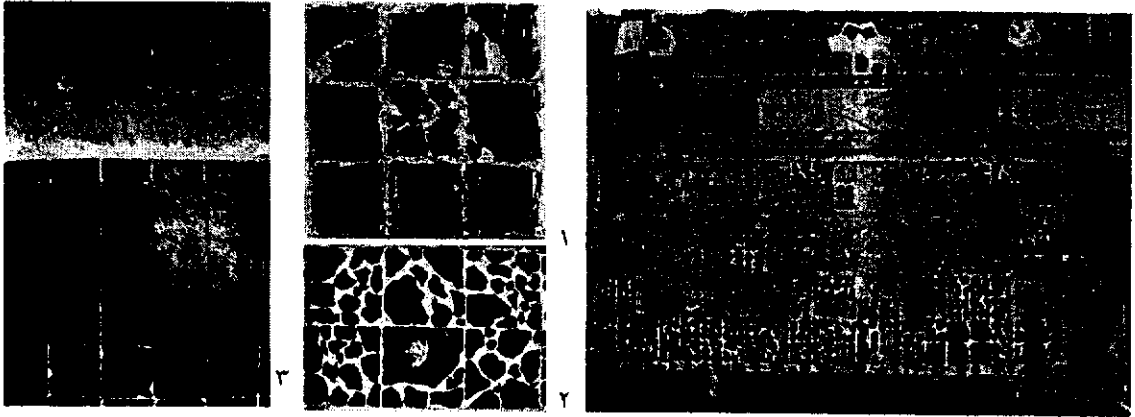
شکل ۴ - میدان و مجموعه صاحب‌الامر: وضع موجود



- ۱ - مقام صاحب‌الامر
- ۲ - کاروانسرای حسن پادشاه (تخریب شده)
- ۳ - مدرسه حسن پادشاه
- ۴ - مسجد حسن پادشاه
- ۵ - مسجد ثقه الاسلام
- ۶ - میدان صاحب‌الامر و الحاقات آن
- ۷ - ادامه بازار شتربان



بررسی تطبیقی تزیینات وابسته به معماری در بخش پایین دست ساختمانهای تاریخی همدوره:
۱- مدرسی غیاثیه خرگرد خاف ۲- بنای بادمانی درب امام اصفهان ۸۵۷ هـ ق ۳- مسجد حسن پادشاه تبریز ۸۸۲ تا ۸۸۸ یا ۸۸۹ هـ ق:
استفاده از تزیینات گره بندی در ترکیبی از مصالح سنگ و کاشی با ستون های حجاری شده هم فرم. در نمونه جدید تر (۵) یعنی مسجد
سید حمزه تبریز حجاری ستون های گوشه همانند بناهای همدوره خود (برای نمونه مسجد جامع شاه عباس اصفهان) در قرن یازدهم به
فرم گلدانی و کم ضخامت تر در آمده است.

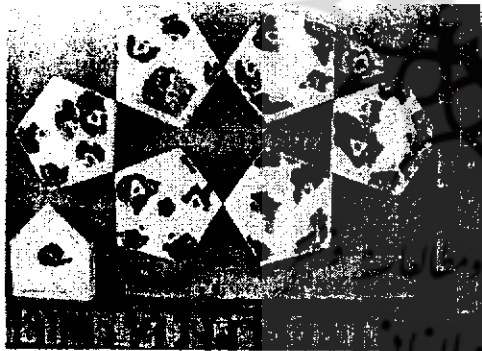
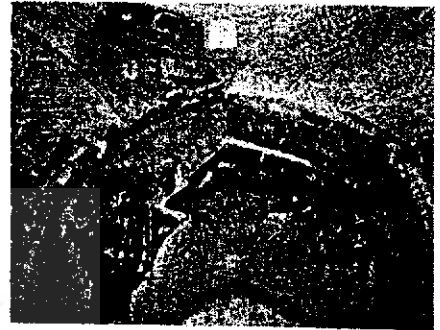


استفاده از کاشی های تک رنگ تذهیب و مرصع شده با آب طلا:
 ۱ - مسجد حسن پادشاه تبریز کاشیهای خشتی ۱۷. ۱۷ سانتی متر لاجوردی با
 نقوش اسلیمی

۲ - مسجد حسن پادشاه تبریز کاشی های خشتی با رنگ قهوه‌ای سوخته (نقش
 روی آنها پاک شده است)

۳ - مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی

۴ - مسجد کبود تبریز کاشی های شش ضلعی

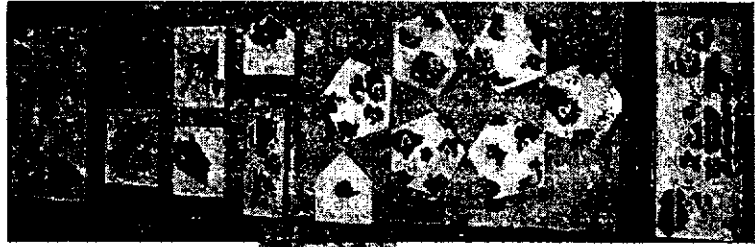


استفاده از کاشی معرق به صورت آنت های گره بندی در بناهای همدوره الف - درب امام اصفهان، ب - مسجد کبود تبریز و ج - مسجد حسن
 پادشاه تبریز.

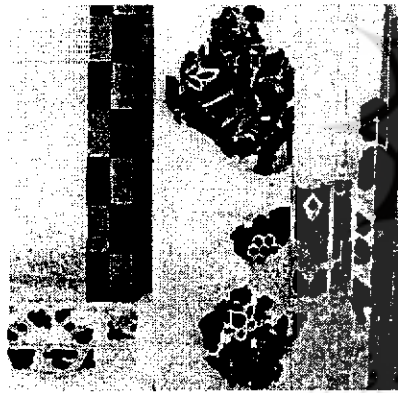
الف - استفاده از آجر حدفاصل این آلت های کاشی معرق

ب - استفاده از گره بندی کاشیهای ریزتر حدفاصل این آلت های کاشی معرق

ج - استفاده از کاشیهای هفت رنگ حدفاصل این آلت های کاشی معرق

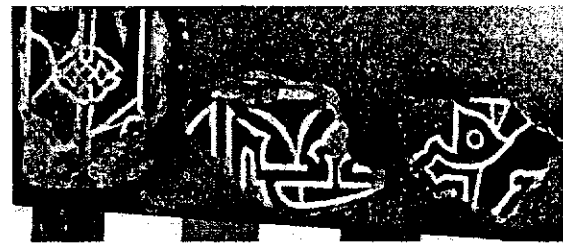


کاشی کاری معرق مسجد حسن پادشاه

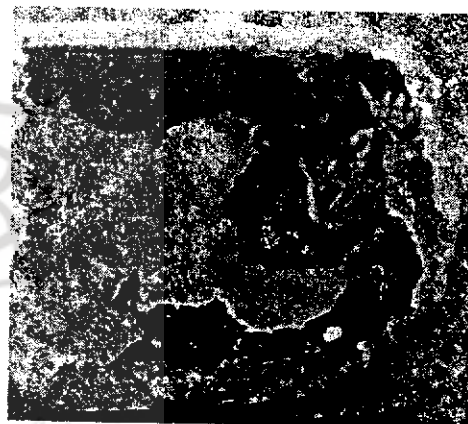
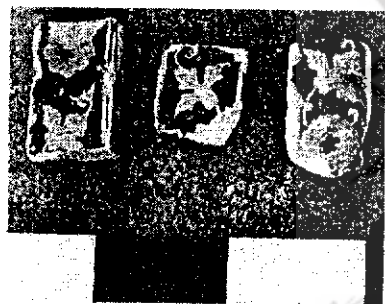
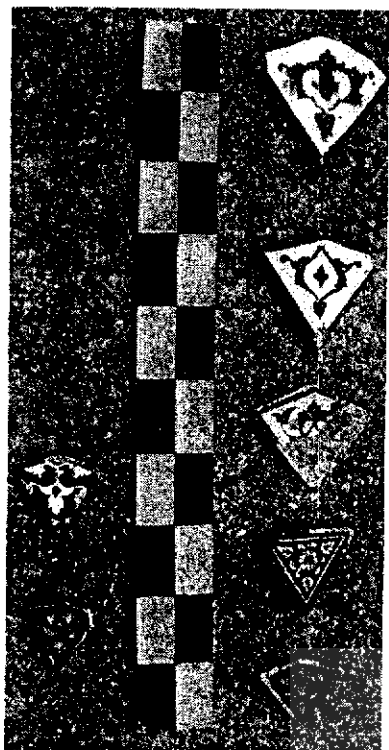


کاشی کاری معرق بدنه های مسجد حسن

کاشی کاری معرق حاشیه قابهای کاشی کاری معرق



کتیبه کاشی معرق با خط کوفی بنایی و کوفی تزئینی



کاشی کاری شمیری دور قوسها

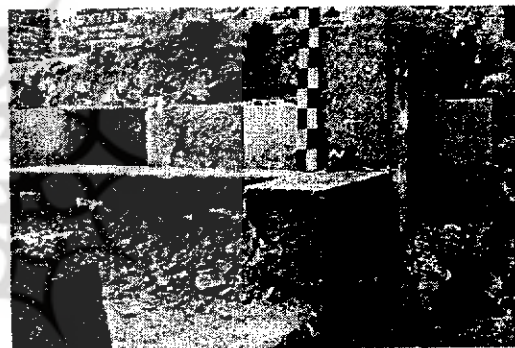
تزیینات کاشی کاری لعاب برجسته (کاشی های لعاب دار
مستطیل شکل مربوط به حاشیه دور قابهای همراه با
کاشیهای دوزنقه شکل در ترکیب با سنگهای چند ضلعی
کار شده است



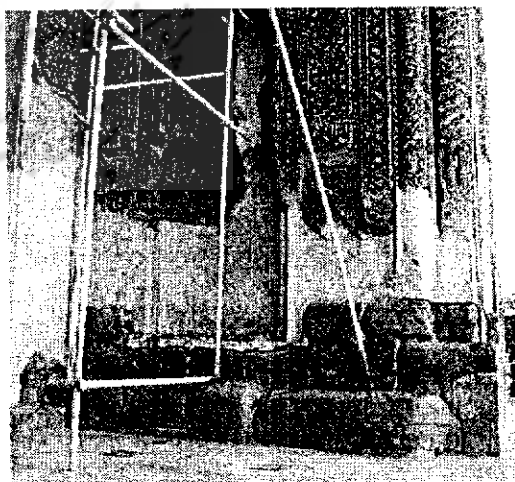
الف- نمای غربی مصطبه سنگی مسجد حسن پادشاه، ساخت و سازهای جدید به بخش پایین دست آن چسبیده است، اما در بخش فوقانی همان‌طور که در عکس دیده می‌شود، هنوز نمای بخشی از سکو آزاد است.

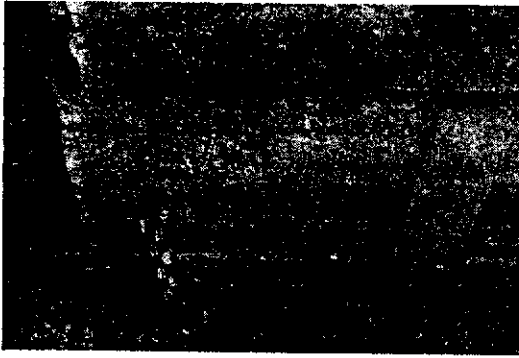


ب- بقایای سنگی (مرمر حجاری شده) سر در حیاط مسجد حسن پادشاه در بازسازیهای دوره قاجار دوباره استفاده شده است.

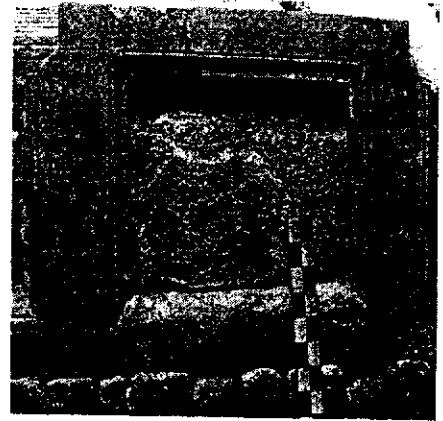


ج- بازچینی بقایای بازیابی شده سردر ورودی غربی مسجد (رو به مجموعه کاخهای شاهی). بخش سنگی زیر سردر ورودی مسجد کبود جهت مقایسه ارایه شده است.

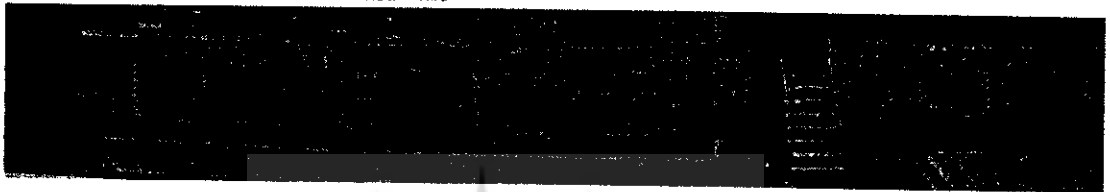




قاب بندی نمای شمالی سکوی سنگی مسجد
حسن پادشاه



قاب بندی نمای جنوبی سکوی سنگی مسجد حسن پادشاه



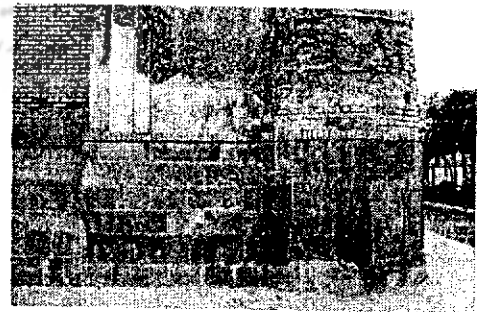
قاب بندی نمای شرقی سکوی سنگی بنای صاحب‌الامر - اواخر قرن ۱۰ یا اوایل قرن ۱۱ هجری قمری

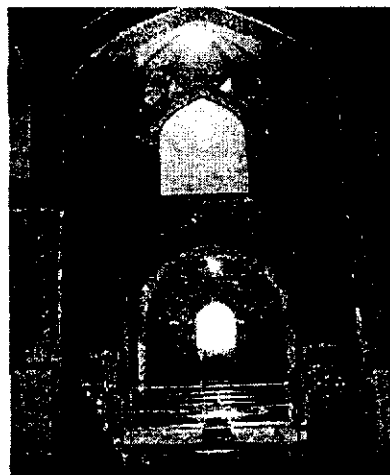


سنگ ازاره مناره
های مسجد حسن
پادشاه

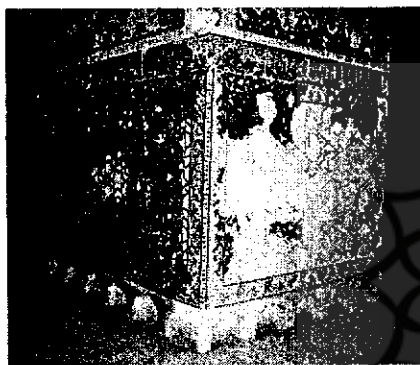
تفاوت در نمای سکوی سنگی مسجد کبود در نمای
شمالی با دیگر نماها همانند تفاوت نماهای چهار بر آزاد
مسجد حسن پادشاه

بر شمالی سکوی زیر مسجد حسن پادشاه

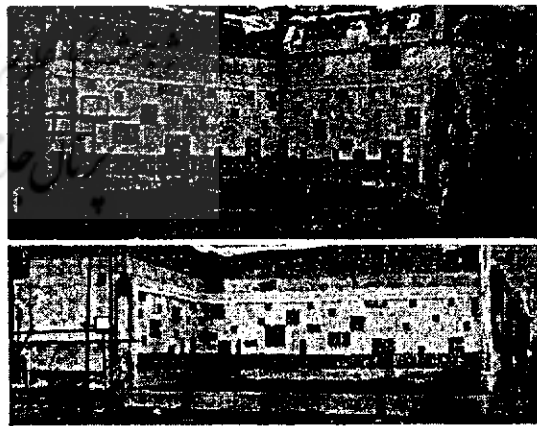
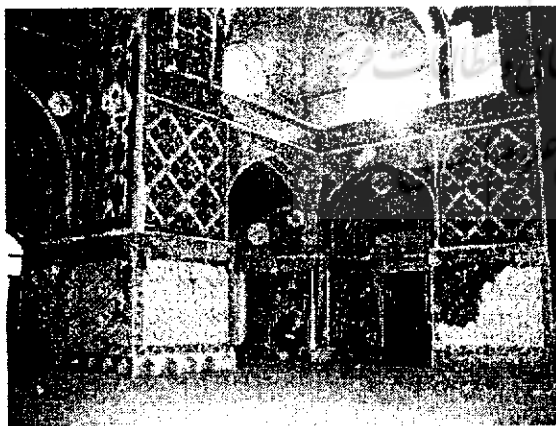




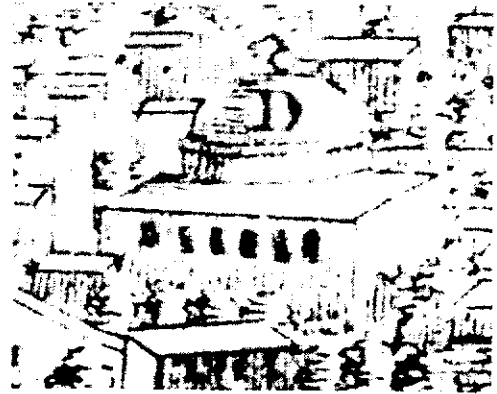
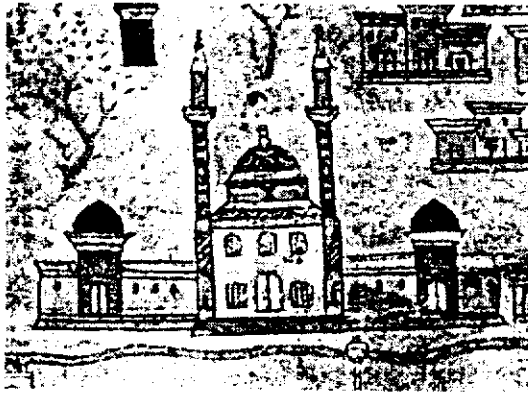
شباهت یقینانی به دست آمده محراب مسجد حسن پادشاه آنقدر به محراب مسجد کبود شبیه است که احتمال یکی بودن سازنده آنها وجود



پایه های گنبد مرکزی مسجد کبود پایه های گنبد مرکزی مسجد حسن پادشاه



گنبد مرکزی مسجد حسن پادشاه و مسجد کبود دارای پلان و ساختاری کاملاً مشابه بوده اند؛ با این تفاوت که دهانه گنبد مسجد کبود ۱۶.۴۰ متر بوده است، ولی دهانه گنبد مسجد حسن پادشاه ۲۰.۷۲ متر بوده است.

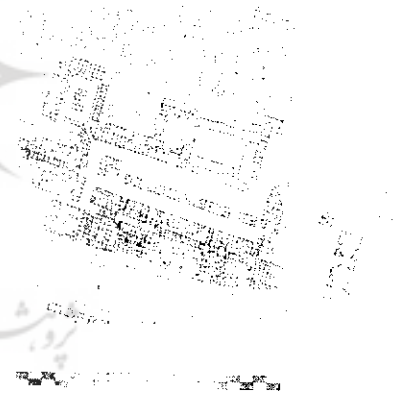
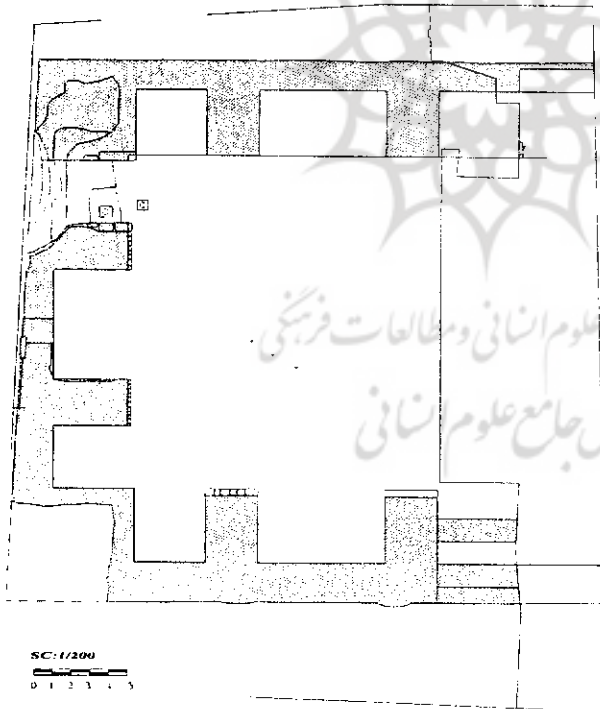


مسجد حسن پادشاه

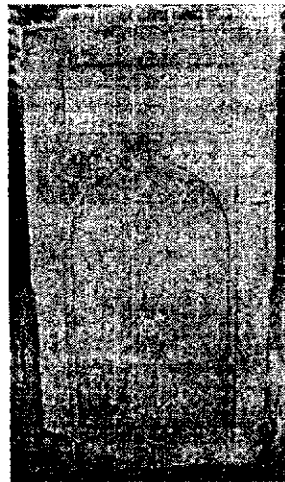
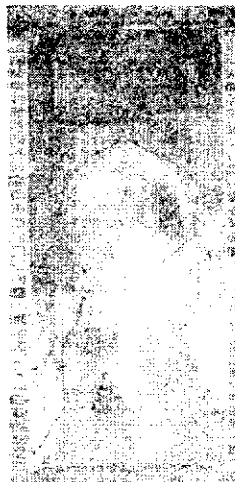
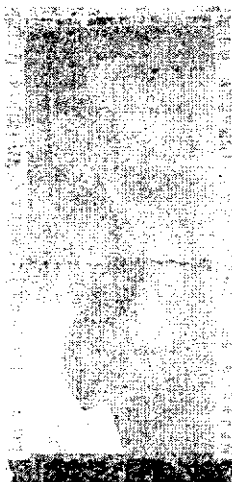
دید: غرب به شرق در کلیت نقشه، اما چون نمای اصلی مسجد، نمای جنوبی است، همانند دیگر بناهای شهر، که نمای اصلی شان را کشیده، در واقع نمای جنوبی را ارایه کرده است. برداشت از: طرح مینیاتوری شهر تبریز، اثر نصوص مطراقچی عثمانی

مسجد حسن پادشاه

دید: شمالشرقی به جنوبغربی برداشت از: طرح گراوری شهر تبریز، اثر شاردن



پلان بخش بازیابی و مرمت شده مسجد حسن پادشاه در سال ۱۳۸۶ ه. ش توسط نگارندگان این مقاله. بخش شرقی و کنج جنوبغربی زیر ساخت و سازه‌های جدیدتر قرار دارد و باید آزادسازی شود.



شکل ۹-۱ کتیبه های سنگی دور تا دور بدنه داخلی مسجد حسن پادشاه

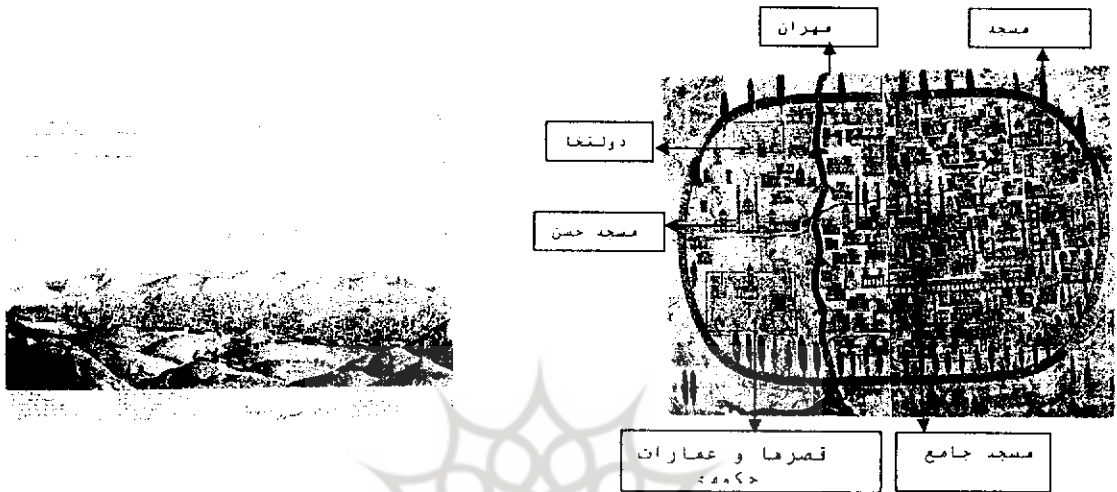


شکل ۹-۲ کتیبه های سنگی دور تا دور بدنه داخلی گنبد تربت خانه مسجد کیود

پی نوشت

۱- مرمت شده در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی. بهروز عمرانی، محمد امینیان.

۲- بازیابی تصویری میدان و بازار علاف خان سنندج (شبنم اسدزاده، محمد امینیان، طرح ساماندهی بازار قدیم سنندج).



طرح گردآوری شهر تبریز، اثر شاردن (فرانسوی)

طرح مینیاتوری شهر تبریز، اثر نصوص مطراقچی عثمانی

۳- حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد، بازخوانی میدان صاحب‌آباد...

منابع

- ۱- ابن حوقل: صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگی ایران، تهران ۱۳۴۵.
- ۲- ابن کربلانی تبریزی، حافظ حسین: روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرایی، چاپ دوم، انتشارات ستوده، تبریز ۱۳۸۳.
- ۳- تاورنیه، ژان باتیست: سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تایید اصفهان ۱۳۳۶.
- ۴- حسن بیگ روملو: احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوائی، بابک، تهران ۱۳۵۷.
- ۵- حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد: «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن و مطراقچی بر اساس متون تاریخی (از شکل‌گیری تا دوره صفویه)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، دانشگاه تهران، تهران بهار ۱۳۸۵.
- ۶- سلطان زاده، حسین: تبریز خشتی استوار در معماری ایران (با آثاری از دانشجویان معماری دانشگاه آزاد تبریز)، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران ۱۳۷۶.
- ۷- سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران ۱۳۴۹.
- ۸- شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۵.
- ۹- فضل الله همدانی، رشید الدین: تاریخ مبارک غازانی، به کوشش کارل یان، هرتفورد انگلستان، ۱۹۴۰.

- ۱۰ - _____ : جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، انتشارات اقبال، بی تا، تهران ۱۳۷۴.
- ۱۱ - (مجهول المؤلف): حدود العالم، به کوشش منوچهر ستوده، طهوری، تهران ۱۳۶۲.
- ۱۲ - مستوفی، حمداله: نزهة القلوب، به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.
- ۱۳ - مشکور، محمد جواد: تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، ۵۲، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی شماره ۹۶.
- ۱۴ - مقدسی: احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران ۱۳۶۱.
- ۱۵ - و صاف الحضرة: تحریر تاریخ و صاف، به قلم عبدالمحمد آیتی، ۱۳۴۶، بنیاد فرهنگ ایران، تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی